تاریخ و تمدّن اسلامی
سال ۱۹، شماره ۴۵، زمستان ۱۴۰۲
صص ۱۲۹-۱۵۳ (مقاله ترویجی)

Islamic History and Civilization
Vol.19, No.45, Winter 2024

واکاوی دیدگاه‌ها در باب آرامگاه امام‌زاده حسین بن موسی[1]

محمد باقری
دانشجوی دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران
حمیدرضا ثنائی[2]
استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

درباره آرامگاه حسین بن موسی، از پسران امام موسی کاظم(ع)، گزارش‌های شفاهی و مکتوبی متعددی در منابع آمده‌است. درباره محل دفن او در ایران دیدگاه‌های پرشماری مطرح شده و هفت جای، شیراز، جوپار کرمان، بهبهان، دزفول، کوفه، طبس و دیه زرگِ آن، ذکر گردیده و البته دیدگاهی دیگر نیز وجود دارد که آرامگاه او را در عراق (کوفه یا بغداد) می‌داند. این مقاله ضمن بررسی و ارزیابی این دیدگاه‌ها کوشیده‌است به دیدگاهی که رجحان بیشتری دارد دست یابد. بنابر یافته‌ها، هر یک از این دیدگاه‌ها با ایراداتی روبه‌روست و تنها دیدگاهی که از طریق ادله قانع‌کننده و اطلاعات منابع متقدم اثبات می‌شود، قول ناظر به دفن امامزاده در طبس است. به‌جز گزارش منابع انساب از حدود اواخر سده ۴ چهارم و اوایل سده پنجم هجری به بعد که از ادعای سادات منتسب به حسین بن موسی در طبس یاد کرده‌اند، قدمت آرامگاه موجود در طبس را نیز ـ که با توجه به کتیبه‌ای با تاریخ ۴۹۴ق و برخی گمانه‌زنی‌های باستان‌شناختی، دست‌کم به سده ۵ق بازمی‌گردد ـ می‌توان به عنوان قرینه‌ای بر دفن شخصیت موردنظر ما در آن شهر به‌شمار آورد. در نتیجه می‌توان گفت که مدفن امامزاده مذکور به احتمال فراوان در شهر طبس قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: امام‌زاده‌های ایران، امام‌زاده حسین بن موسی، آرامگاه حسین بن موسی، طبس.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰
۲. رایانامه (مسؤول مکاتبات): hr.sanaei@um.ac.ir

مقدمه

منابع اطلاعات درباره امام‌زادگان ایران طیفی از آثار متنوع را ـ به‌ویژه کتب انساب و تاریخ‌های محلی ـ دربرمی‌گیرد؛ با این‌همه، اعتبار اطلاعات در همه این آثار یکسان نیست. چنین می‌نماید که اطلاعات منابع انساب به نسبت منابع محلی در این زمینه اعتبار بیش‌تری دارد. با آن‌که گاه اطلاعات ارزشمند و منحصر به فردی در تواریخ محلی به چشم می‌خورد، گزارش‌های عامیانه و مبتنی بر افواه نیز در آن‌ها کم نیست. چنین گزارش‌هایی در زمینه اطلاعات مربوط به دفن امام‌زادگان غالبا برای اثبات صحت انتساب مرقد محل مورد نظر روایت شده‌اند. بنابراین، از قرار معلوم گزارش‌های محلی شفاهی و مکتوب درباره امام‌زادگان و زیارتگاه‌های منسوب بدیشان خالی از اطلاعات نادرست نیست. این در حالی است که زیارتگاه‌های متعددی در شهرها و دیه‌های ایران، اعتبار خود را صرفا از همین گزارش‌های عامیانه و محلی شفاهی یا مکتوب کسب کرده‌اند. گزارش‌های عامیانه و بی‌پایه‌ای این‌چنین در کنار امکان بروز تصحیف و افتادگی در نام امام‌زادگان یا سلسله‌نسب ایشان در انواع منابع محلی و جز آن، پژوهش درباره صحت انتساب این آرامگاه‌ها را ضروری می‌نماید.

نام بسیاری از امام‌زادگان مدفون در ایران ـ چنان‌که انتظار می‌رود ـ تنها بر سردر یک آرامگاه حک شده و در مقابل، شگفت‌آور است که نام برخی از آنان بر فراز آرامگاه‌های متعددی دیده می‌شود. در این میان، امام‌زاده حسین بن موسی از آن امام‌زادگانی است که گزارش‌های متعدد شفاهی و مکتوبی در باب محل دفن آن وجود دارد. شیراز، جوپار کرمان، بهبهان، دزفول، کوفه، طبس و دیه زرگِ آن، هفت جایگاهی است که محل دفن این امام‌زاده شمرده شده و اکنون در بیش‌تر آن‌ها آرامگاه‌هایی منتسب بدو به چشم می‌خورد. بنابراین، پرسش اساسی در این باب آن است که جایگاه دفن حسین بن موسی کدام است؟ این پژوهش نخست به ارائه دیدگاه‌ها و گزارش‌ها در این زمینه پرداخته و سپس از رجحان یک دیدگاه سخن گفته‌است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که تاکنون پیرامون مدفن حسین بن موسی بن جعفر به انجام رسیده، به‌طور کلی، از دو جهت ناقص‌اند. برخی از این آثار اگرچه به دیدگاه صائب در این موضوع دست یافته‌اند، برخی از گزارش‌های شفاهی و مکتوب در این زمینه را از قلم انداخته‌اند. دیگر آثار از برخی گزارش‌ها غافل مانده و ضمنا به نتایج نادرستی نیز دست یافته‌اند. فقیه بحرالعلوم (۱۳۸۵) در کتاب تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری به معرفی برخی از مزارات منسوب به حسین پرداخته‌است، اما درباره دو مزار کوفه و طبس به استدلال‌های نادرستی استناد جسته و بنابراین، از کشف مدفن حقیقی وی عاجز مانده‌است.

محمدرضا بارانی (۱۳۹۰) هم در مقاله «شرح حال پنج تن از فرزندان امام کاظم(ع)» به بررسی مزارهای شیراز، کوفه، دزفول و طبس پرداخته و نتیجه گرفته‌است که مدفن حسین بن موسی به احتمال فراوان در طبس قرار دارد. سیدحسن قریشی (۱۳۹۱) نیز در مقاله «بررسی دقیق مدفن حسین بن موسی الکاظم(ع)» به نادرستی، حسین را از همراهان احمد بن موسی در سفر به سوی شیراز دانسته‌است. او هر دو مزار طبس و شیراز را متعلق به حسین بن موسی دانسته و اظهار می‌دارد که اگرچه پیکر او نخست در طبس دفن شده، پس از مدتی شیعیان به سبب برخی خطرات آن را به شیراز منتقل کرده‌اند. اخوان مهدوی (۱۳۹۲) در کتاب حسین بن موسی الکاظم؛ زندگی، شخصیت و آرامگاه در چهار صفحه به نقد و بررسی دیدگاه‌ها پیرامون آرامگاه‌های منسوب به امامزاده حسین بن موسی پرداخته‌است. مطالب او بر پایه دیدگاه فقیه بحرالعلوم در تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری استوار شده‌است و در این باره پژوهش مستقلی انجام نداده و صرفا به نقل مطالب آن اثر پرداخته‌است. همو (۱۳۹۵) در مقاله «کنکاشی پیرامون آرامگاه‌های منسوب به حسین بن موسی الکاظم(ع)» به نقد سه دیدگاه کوفه و شیراز پرداخته و دفن حسین در دو شهر کوفه و شیراز را مردود دانسته و شهر طبس را محل دفن او دانسته‌است. مطالب این مقاله به جز بخشی از آنچه درباره نقد و بررسی مزار کوفه آمده، در واقع چکیده‌ای از مطالب کتاب یادشده مؤلف است. جمشید روستا

(۱۳۹۴) نیز در مقاله «بررسی تطبیقی حیات تاریخی دو امامزاده همنام در دو ایالت فارس و خراسان» از کوچ حسین از مدینه سخن گفته و در کمال حیرت، هر دو مدفن طبس و شیراز را متعلق بدو دانسته‌است؛ بدین سان، او به کشف هویت حقیقی شخصیت‌های مدفون در دو مزار یادشده ره نبرده‌است. در مجموع، اگرچه اخوان مهدوی و فقیه بحرالعلوم و دیگران پیشتر به این موضوع پرداخته‌اند، مقاله حاضر در قیاس با آثار پیشین و نسبت به آن‌ها، از جهاتی برتری دارد: ۱. مقاله حاضر به شکل جامع‌تری از آرامگاه‌های مطرح درباره حسین بن موسی سخن گفته و به نقد و بررسی آراء پیشین پرداخته‌است؛ ۲. مطالب با انسجام بیشتری مطرح شده‌است؛ ۳. از آراء دیگری در این زمینه یاد شده‌است.

نگاهی به احوال حسین بن موسی

اطلاعات پراکنده و اندکی که منابع نسبتا متقدم رجالی و انساب درباره حسین بن موسی بن جعفر ارائه کرده‌اند و احادیثی که از او در برخی از مجامع حدیثی روایت شده، تصویری روشن از حیات وی به دست نمی‌دهند. ذکر حسین به عنوان شخصی مفقود در برخی از منابع (عبیدلی، ۱۳۷۱: ۱۶۶؛ ابن‌طباطبا، ۱۳۸۸ق: ۲۱۸-۲۱۹؛ مروزی، ۱۴۰۹ق: ۲۱-۲۲) از زندگی پنهانی او در نیمه دوم زندگی او خبر می‌دهد. بنابراین، گویا او سال‌های درازی از عمر خویش را دور از چشم کارگزاران نظام خلافت به سر برده‌است.

با توجه به آن‌که برخی از منابع ـ چنان‌که گفته شد ـ او را «مفقود» خوانده‌اند (عبیدلی، ۱۳۷۱: ۱۶۶؛ ابن‌طباطبا، ۱۳۸۸ق: ۲۱۸-۲۱۹)، چنین می‌نماید که این امامزاده به سبب خطراتی که از جانب عباسیان احساس می‌کرد یا شرکت در یک قیام یا امری مشابه در میانسالی مدینه را ترک و حیات پنهانی خویش را آغاز کرده‌است (برای آگاهی بیشتر رک. باقری و ثنائی، ۱۳۹۷: ۲۱۸-۲۲۳؛ باقری و طاوسی مسرور، ۱۳۹۹: ۱۴-۲۳).

نام مادر حسین در منابع ذکر نشده و به لقب ام‌ولد اکتفا شده‌است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۰۶/۴۸) و از این رو، گویا مادرش کنیز بوده‌است. زمان تولد حسین بن موسی مشخص

نیست؛ اما با توجه به شهادت امام موسی کاظم(ع) در سال ۱۸۳ق (صدوق، ۱۳۷۲: ۱۰۴/۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ۳۳/۱۳) و نقل برخی از احادیث آن حضرت توسط حسین بن موسی _که دست‌کم از نوجوانی حسین در زمان حیات پدر حکایت دارد_ تولد او را می‌توان تقریبا در دهه‌های ششم و هفتم قرن دوم هجری یعنی میان سال‌های ۱۵۰-۱۷۰ق دانست.

احادیث منقول از حسین بن موسی در مجامع حدیثی شیعه نشان می‌دهد که وی سال‌های کودکی و جوانی و تاحدودی میانسالی خود را در موطن خویش، مدینه، گذرانده و از محضر سه امام شیعه، امام کاظم، امام رضا و امام جواد(ع) بهره‌ها برده‌است (صدوق، ۱۳۷۲: ۵۰۳/۲؛ طوسی، ۱۴۰۴ق، ۷۲۸/۲-۷۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۱۹/۴۹). حسین بن موسی در برخی از روایات، خود به این دوران اشاره و می‌کوشد نزدیکی و ارتباط بدون واسطه خویش را به امام نشان دهد (صدوق، بی‌تا: ۴۵۶/۲-۴۵۷، صدوق، ۱۳۷۲: ۵۰۳/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۳۳). بر خلاف دو برادرش، هارون و زید که موجب رنجش امام رضا(ع) شده بودند، هیچ مطلبی حاکی از تمرد وی از دستور امامان معاصرش وجود ندارد؛ بلکه همگی بر تبعیت وی از آن بزرگواران دلالت می‌کند. این همراهی چنان بود که وی مورد تجلیل و تأیید امام رضا و امام جواد(ع) قرار گرفته‌است. امام جواد(ع) نیز او را نیکوترین و خیرخواه‌ترین عموی خود معرفی کرده و امام رضا(ع) نیز آن را تأیید کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۵/۱۳؛ ۲۱۹/۴۹). این همه از جایگاه والای حسین بن موسی در بالاترین سطح رهبری امامیه حکایت می‌کند.

دیدگاه‌ها درباره آرامگاه حسین بن موسی

چنان‌که گذشت، اقوال فراوانی درباره محل دفن حسین بن موسی بن جعفر وجود دارد که برخی از آن‌ها مستند به منابع مکتوب است و شماری هم تنها از افواه عامه برمی‌خیزد. روشن است که حسین بن موسی در همه این مکان‌ها دفن نشده‌است. فارغ از اقوال نسبتا قابل اعتمادتر که در این مقاله از آن‌ها سخن گفته می‌شود، در قزوین، ساری، سوته‌کلا، کیاسر،

تنکابن، آستانه اشرفیه، شوشتر، خوارسراب و ... نیز مزارهایی با عنوان شاهزاده حسین مشهور است (فقیه بحرالعلوم، ۱۳۸۵: ۲۰۸ـ۲۳۰). در این شهرها و دیه‌ها دفن امام‌زاده‌ای با نام حسین گزارش شده یا آرامگاهی با این نام شهرت یافته و غالبا تنها به همین قرینه این مزارها را به حسین بن موسی بن جعفر، پسر امام کاظم(ع)، نسبت داده‌اند.

۱. شیراز

دفن امامزاده حسین بن موسی بن جعفر در شیراز یکی از دیدگاه‌های مشهور در این باب است. چنان‌که گفته شد، این دیدگاه به‌تازگی در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی گزارش‌ها درباره دفن امامزاده حسین بن موسی علیه السلام در شیراز» بررسی و رد شده‌است (باقری و ثنایی، ۱۳۹۹: ۳۷–۵۸). اندیشه دفن این امامزاده در شیراز بر پایه گزارشی پیرامون ورود دسته‌ای از سادات به این شهر استوار شده که در منابع نسبتا متأخر نقل شده‌است. این گزارش نخست در سده ۸ق بیان شده و سپس نویسندگانی تا سده ۱۴ق آن را با شاخ و برگ بیشتر نقل و بدان استناد کرده‌اند. در این گزارش آمده‌است که حسین بن موسی به همراه برادرانش احمد و محمد و شمار فراوانی از خویشاوندان‌شان که بالغ بر ۱۵ هزار نفر می‌شدند، از طریق حجاز، کویت، بصره، اهواز و بوشهر به سوی فارس آمده و در نزدیکی شیراز در جایگاهی به نام خان زنیان به مصاف لشکر انبوه حکمران شیراز رفتند و پس از پیروزی ابتدایی، عاقبت به نیرنگ سپاهیان دشمن شکست خوردند. در این گزارش همچنین آمده‌است که آن امام‌زادگان پس از این هزیمت، شبانه و با لباس‌های مبدل وارد شیراز شدند. در این میان، حسین بن موسی از این پس در باغی در نزدیکی محل استقرار حاکم شیراز روزگار می‌گذراند و به عبادت مشغول بود. پس از آنکه به محل اختفای او پی بردند، او را یافتند و در همان جا از میان برداشتند. بر پایه آنچه در این گزارش آمده، قرن‌ها بعد در زمان صفویه شخصی که از قضا به همان نام حاکم شیراز در زمان ورود سادات به این شهر خوانده می‌شده، از مزار حسین آگاه شده و بر فراز آن بقعه‌ای بنا کرده‌است (ابن‌زرکوب شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۹۹؛ جنید شیرازی، ۱۳۶۴:

۳۰۶؛ ملک‌الکتاب شیرازی، ۱۲۹۶، ۱۵۵/۲، ۱۴۶؛ فرصت حسینی شیرازی، ۱۳۷۷، ۷۵۸/۲، ۷۴۵؛ شیرازی، ۱۳۸۲، ۴۸۴/۳؛ سلطان‌الواعظین شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۹–۱۳۵).

مقاله مذکور دلایل رد این نظریه را به تفصیل بیان داشته‌است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، به‌طور خلاصه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. اختلافات فراوان موجود در متن گزارش‌های منابع از سده ۸ تا سده ۱۴ق؛

۲. یکی از گزارش‌های مربوط از دعوت امام رضا(ع) از خانواده خود برای عزیمت به توس سخن گفته‌است؛ در حالی که امام در دوره ولایتعهدی در مرو به سر می‌برده‌اند؛

۳. ذکرنشدن نام حسین بن موسی در شمار همراهان احمد بن موسی در عزیمت به فارس در منابع متقدم؛

۴. مسیر حرکت کاروان احمد بن موسی و برادرانش از حجاز تا فارس در این گزارش‌ها بی‌راهه و پرت است و افزون بر آن، ذکر بوشهر در این مسیر از شاخ و برگ یافتن گزارش مربوط در محدوده زمانی شهرت و رونق این شهر از حدود نیمه سده ۱۲ق به بعد حکایت می‌کند؛

۵. ذکر مطالب ماورائی در داستان کشف جسد حسین بن موسی در شیراز؛

۶. انتساب ساخت مقبره حسین به اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی معروف به قتلغ در برخی از گزارش‌ها و تقابل آن با یافته‌های باستان‌شناختی درباره قدمت آرامگاه علاءالدین حسین و اشکالات عمده و متعدد گزارش‌ها پیرامون قتلغ‌خان مذکور در گزارش‌ها؛

۷. اعلام انگیزه «خونخواهی امام هشتم(ع) و جنگ با دشمنان امام» برای احمد و یارانش در گزارش مربوط و تقابل آن با حضور اهل و عیال آنان در کاروان؛

۸. در یکی از گزارش‌های نسبتا متقدم در این باب، دلیل حرکت احمد بن موسی و همراهانش به سوی فارس «قتال با مجوسیان» دانسته شده‌است؛ در حالی که این سؤال مطرح می‌شود که انگیزه او برای نبرد با زردشتیان و عزیمت از موطن خود یا بغداد به سوی ایشان به‌واقع چه بوده‌است؛

۹. یکی از گزارش‌های متأخر عزیمت کاروان احمد بن موسی و همراهانش را همزمان

با ولایتعهدی امام رضا(ع) دانسته و این صحیح نمی‌نماید؛ چه سرکوب و قتل برادران آن امام به همراه برخی دیگر از علویان از لحاظ منطقی نمی‌تواند همزمان با ولایتعهدی آن حضرت بوده باشد.

نسب‌شناس برجسته، سیدعبدالرزاق کَمونه، با توجه به قرائن موجود و برخی از گزارش‌ها مزار منسوب به حسین بن موسی در شیراز را در حقیقت مزار برادرزاده‌اش، حسین بن اسحاق بن موسی(ع)، پنداشته‌است (کمونه، ۱۳۸۹: ۱۶۱) (برای آگاهی بیشتر، نک. باقری و ثنائی، ۱۳۹۹: ۴۴-۵۳).



تصویر۱: مزار سید علاءالدین حسین در شیراز

۲. جوپار کرمان

در ۱۶ کیلومتری غرب شهر ماهان در مرکز شهر جوپار از توابع استان کرمان زیارتگاهی است مشهور به امامزاده حسین (نک. تصویر۲) و به نوشته فقیه بحرالعلوم، بیش از دو سده است که شخصیت مدفون در این بقعه فرزند امام موسی کاظم(ع) دانسته می‌شود. این قول عامیانه به کتاب‌های تاریخ محلی نیز راه یافته‌است؛ چنان‌که نوشته‌اند: او به همراه برادرش احمد (معروف به شاه‌چراغ) وارد ایران شد و پس از درگیری در شیراز به کرمان مهاجرت کرد و از

بیم جان در جوپار مخفی شد. ماموران و دست‌نشاندگان عباسی آن حضرت را شناختند و عوام را تحریک کردند تا او را به قتل رسانند (فقیه بحرالعلوم، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

دلایل معتقدان به دفن این امامزاده در جوپار همان دلایل معتقدان به دفن او در شیراز است. این دلایل پیشتر اجمالا بیان شد. وجه تفاوت در آن است که معتقدان به این دیدگاه برآنند که سپاهیان عباسی حسین را تا جوپار دنبال کرده و در آن‌جا به قتل رسانده‌اند. چنان‌که گذشت، شرکت حسین بن موسی در کاروان احمد بن موسی در هیچ منبع تاریخی متقدم ذکر نشده و تنها برخی از منابع تاریخ محلی سده ۸ق از پیدا شدن مزاری در شیراز و انتساب آن به حسین بن موسی سخن گفته‌اند. پیروان نظریه جوپار این داستان را بن‌مایه مدعای خویش قرار داده‌اند.

گفتنی است که نویسنده مقاله «تحقیق پیرامون حسین بن موسی بن جعفر(ع) و مرقد وی» که از دفن حسین بن موسی در جوپار سخن گفته، چنین آورده‌است: غرض این بنده از نوشتن این مقاله کاوشی بیشتر و عمیق‌تر درباره مرقد حسین بن موسی است؛ البته نه به این منظور که به طور قطع قبر آن بزرگوار را در جوپار ذکر کنم؛ چه این خود از نظر دینی بسنده نیست و از نظر علمی هم احتیاج به سند قطعی و مسلمی دارد که بتواند جوابگوی هرگونه احتمال خلافی باشد (فدایی‌قطبی، ۱۳۵۲: ۲۷۹). لحن نویسنده در این عبارت بیانگر تردید جدی نویسنده در انتساب این مرقد به حسین بن موسی است. با این‌همه، نگاه دقیق‌تر به مقاله یادشده روشن می‌کند که قصد نویسنده بیشتر ثبت ویژگی‌های بنای آرامگاه بوده‌است.

نظر به آنچه گفته شد، حسین بن موسی نمی‌تواند در بقعه جوپار دفن شده باشد و بنابراین، چه کسی را می‌توانیم نامزد دفن در آن بدانیم. از قرائن موجود شاید بتوان نتیجه گرفت که شخصیت مدفون در این بقعه ابوعبدالله حسین بن حسین ذی‌الدمعَة بن زید شهید است که نسبش با دو واسطه به امام سجاد(ع) می‌رسد. به نوشته فخر رازی (د. ۶۰۶ق)، او در

کرمان می‌زیسته (فخررازی، ۱۳۷۷: ۱۴۲) و ملقب به «قُعدَد» (قُعدُد)[3] بوده‌است (همان: ۱۵۱). حسین سه فرزند به نام‌های یحیی، محمداکبر و زید داشته‌است و نوادگان وی بیشتر در شیراز، بغداد، موصل، نصیبین، حلب، دمشق، مکه، طائف و هند به‌سر می‌برده‌اند و علمای انساب عالمان و شهیدان فراوانی از نسل وی برشمرده‌اند (فخررازی، ۱۳۷۷: ۱۵۱؛ مروزی، ۱۴۰۹ق: ۵۱-۵۲). همچنین ابوالحسن عمری (د. حدود ۴۶۰ق)، صاحب المجدی فی انساب الطالبیین، مادر حسین را ام‌ولد و سکونتگاهش را مدینه دانسته‌است. او حسین را شیخ بنی‌هاشم، مکنی به ابوعبدالله و برخوردار از سیزده فرزند دانسته‌است (ابن صوفی، ۱۳۸۰: ۳۵۸-۳۵۹). قعدد در زمان قیام پسرعموی خود، محمد بن محمد بن زید شهید که در سال ۱۹۹ق صورت گرفته، از سوی او و ابن طباطبا امیر کرمان بوده‌است. از آنجا که در سال ۲۰۰ق نهضت محمد بن محمد بن زید و ابن‌طباطبا به دست عباسیان سرکوب شد (نجمی، ۱۳۸۱: ۶۵/۱)، شاید بتوان گفت که زمان متواری شدن وی حدود همین سال بوده‌است.[4]

۳. رجل قُعدُد (قُعدَد یا قُعدود) کسی است که نسبش از سوی پدرانش به جد اعلی نزدیک باشد. این واژه از اضداد است و بنابراین، به معنی مقابل آنچه گفته شد، نیز به کار برده می‌شده‌است. قُعدُد به ضم دال اول همچنین به معنای مرد گمنام و آن کسی است که از نداشتن مکارم اخلاق حقیر و خوار مانده‌است (نک. المنجد، ذیل «قعد»). با توجه به آنکه در متن مقاله به شیخوخت حسین در میان بنی‌هاشم اشاره شده، ظاهرا قعدد در نام وی همان مفهوم نخستین را دربردارد؛ یعنی سیدی که در میان سادات معاصر خود، نسبی کوتاه‌تر یا به تعبیری، نزدیک‌تر به جد اعلا (ظاهرا در این جا علی بن ابی‌طالب (ع)) داشته‌است.

٤. نخستین بار فقیه بحرالعلوم به این موضوع اشاره کرده‌است (فقیه بحرالعلوم، ۱۳۸۵: ۲۲۷-۲۲۹).



تصویر۲: مزار منسوب به حسین بن موسی در جوپار کرمان

۳. بهبهان

مزار باشکوهی در شهر بهبهان وجود دارد که به حسین بن موسی نسبت داده می‌شود (نک. تصویر ۳). اهل بهبهان گمان می‌کنند که او حسین اکبر فرزند امام هفتم و معروف به میرعالی‌حسین است (خادمی، ۱۳۸۱: ۶۰-۶۱). به نظر می‌رسد قائلان به دفن حسین بن موسی بن جعفر در بهبهان برآنند که حسین بن موسی پس از درگیری در شیراز در حال فرار به بهبهان رسیده و در آن‌جا دفن شده‌است. این دیدگاه که از جهاتی با دیدگاه دفن حسین در جوپار شباهت دارد، از ارزش علمی کمتری نسبت به نظریه شیراز برخوردار است.

شاید با اطمینان بیشتری بتوان گفت که شخصیت مدفون در این مزار ابوعبدالله حسین بن زید بن موسی، نواده امام کاظم(ع) است؛ زیرا گزارش شده‌است که او و فرزندانش در اَرجان ـ که در گذشته در نزدیکی بهبهان امروزی واقع بوده ـ می‌زیسته‌اند (ابن صوفی، ۱۳۸۰: ۳۶۳؛ فخررازی، ۱۳۷۷: ۱۱۴). افزون بر آن، مردم بهبهان معتقدند که دو تن از فرزندان احمد بن موسی، برادر حسین، نیز در این شهر مدفون‌اند و دو مزار دیگر را نیز به آنان منسوب می‌دارند. با وجود این، مولف چلچراغ شیراز پس از بررسی‌های فراوان به این نتیجه رسیده‌است که اساسا احمد فرزندی نداشته و از این رو، انتساب آن دو مزار به فرزندان وی را

غلط دانسته‌است (عرفان‌منش، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۴).



تصویر۳: مزار منسوب به حسین بن موسی در بهبهان

۴. دزفول

سید جعفر اعرجی (۱۲۷۴_۱۳۳۲ق)، از نسب‌شناسان متأخر، نوشته‌است: «در زمانی که در کوه‌های ماسَبَذان[۵] اقامت داشتیم، مردی خوزستانی که آثار شرف و بزرگی در او دیده می‌شد، از من درخواست اجازه کرد. از نسب و شهرش پرسیدم، خود را به حسین بن موسی الکاظم نسبت می‌داد. آنان عشیره‌ای بزرگ از دهکده‌ای به نام دهلور از توابع دزفول بودند. در آنجا مقبره و مشهدی است که می‌پندارند قبر حسین بن موسی بن جعفر است. آن مرد مکتوبی را به من نشان داد که در آن نسبش آمده بود و گروهی از فقهای ناآگاه از انساب آن را تصدیق کرده بودند. صورت نسب از این قرار بود: محمد بن احمد بن شفیع بن رفیع بن محسن بن

۵. در سده‌های نخستین هجری این نام به ولایتی کهن واقع در مرز ایالت‌های جبال و عراق اطلاق می‌شده و کاربرد آن توسط سیدجعفر اعرجی قابل توجه است. به نوشته لسترنج، این ولایت در غرب لُر کوچک در مرز عراق عرب قرار داشته و مهم‌ترین شهرآن سیروان بوده که هنوز ویرانه‌های آن باقی است (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۱۸).

حسین بن احمد بن غفور بن ضامن بن رضا بن علی بن نقی بن عبدالرضا بن صمد بن آقا بن قوما بن حسین بن کریم بن محمد بن احمد بن ابراهیم بن مهدی بن رفیع بن رضا بن احمد بن یحیی بن حسین بن امام موسی الکاظم. اعرجی دریافته‌است که عالمان انساب درباره فرزند داشتن حسین و این‌که اگر داشته، آیا از او نسلی به جای مانده‌است، اختلاف نظر داشته‌اند. به اعتقاد او، اگر حتی قائل به وجود اخلافی برای حسین شویم، از آنجا که علمای انساب پسری به نام یحیی را برای حسین نام نبرده‌اند، ادعای آن عشیره بی‌تردید کذب بوده‌است» (اعرجی، ۱۳۷۷: ۳۹۴).

فارغ از تردیدهای اعرجی در گفته‌های آن مرد، نبود چنین مقبره‌ای در دزفول امروزی می‌تواند به عنوان قرینه‌ای بر عدم وجود آن در گذشته باشد. افزون بر آن، منابع از حضور اخلاف حسین بن موسی در شهری جز دزفول سخن به میان آورده‌اند (نک. ادامه مقاله). همچنین منابع انساب متقدم بر درستی این گزارش مهر «صح» نمی‌زنند. به‌علاوه، چنان‌که فقیه بحرالعلوم و اخوان مهدوی بیان داشته‌اند (همان؛ اخوان‌مهدوی، ۱۳۹۲: ۷۴)، منابع انساب و کتب رجال در ذکر فرزندان حسین بن موسی از فرزندی به نام یحیی نام نبرده‌اند. از این رو، افزون بر آنکه آرامگاه حسین بن موسی در دزفول جای نداشته، جماعتی در این شهر نیز به غلط خود را از نسل او می‌پنداشته‌اند.

۵. عراق (کوفه یا بغداد)

برخی از منابع قدیم و معاصر از حضور و دفن حسین بن موسی در عراق سخن گفته‌اند. در این میان، آنچه به منبعی نسبتا متقدم مستند است، اقامت، توالد و تناسل، وفات و دفن او در بغداد است. این قول به گزارش کوتاه ابن‌طباطبا در سده ۵ق مستند بوده و از شخصی به نام ابن‌حرب، محمد بن محسن حسینی، نقل شده‌است (ابن طباطبا، ۱۳۸۸ق: ۲۱۹). در بررسی این گزارش شاید بتوان پذیرفت که حسین در مقطعی از زندگی خود در بغداد حضور داشته و حتی در آن جا فرزنددار شده باشد؛ ولی دلائل نسبتا قانع‌کننده درباره یکی دیگر از دیدگاه‌ها

درباره مدفن حسین (نک. ذیل ۷) طبس)، گزارش ابن‌طباطبا در باب وفات و دفن او در این شهر را نقض می‌کند.

قول دیگر در باب دفن حسین در عراق از سوی یکی از منابع معاصر مطرح شده‌است. سید حسین براقی در تاریخ کوفه بدون ذکر مستند خود، به جان سپردن حسین بن موسی در کوفه و دفن او در عباسیه[٦] اشاره کرده‌است. او معتقد است قبری که در نزدیکی «ام بعرور» به قبر حسن شهرت دارد، در حقیقت از آن حسین بن موسی است (براقی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). پس از براقی، عبدالرزاق کمونه نیز با استناد به گفته وی، از وفات حسین بن موسی در کوفه سخن گفته‌است (کمونه حسینی، ۱۳۸۹: ۲۴۴). به نظر می‌رسد مستند براقی در این دیدگاه، مدفن یکی از سادات به نام حسن بن موسی بوده که در کوفه از دنیا رفته و در عباسیه آن شهر مدفون شده‌است. به نوشته مولف مراقدالمعارف، «در عباسیه در نزدیک شامی قبری هست که نزد آنان (کوفیان) به قبر حسن شهرت دارد» (حرزالدین، ۱۴۱۳ق، ۷۴/۲).

بنابراین، دیدگاه ناظر به دفن حسین بن موسی در کوفه با دلیل و سندی روشن اثبات نمی‌شود. افزون بر آن، مردمان این شهر (نجف امروزی) نیز نه تنها از حضور حسین بن موسی در آن سخن نگفته‌اند، بلکه برخلاف مردمان بیشتر مواضع مذکور در این مقاله (طبس، بهبهان، جوپار، شیراز و ...)، در حال حاضر بقعه‌ای را نیز به عنوان آرامگاه او معرفی نمی‌کنند.

فقیه بحرالعلوم، از پژوهشگران معاصر در زمینه تاریخ امامزادگان ایران، نیز با استناد به ۴ حدیث به این نتیجه رسیده‌است که حسین بن موسی با امام کاظم و امام رضا(ع) در مدینه ملازمت داشته و افزون بر آن، همراه امام جواد(ع) در بغداد نیز ساکن بوده و بنابراین، اساسا به ایران مهاجرت نکرده‌است. از این رو، از نظر وی، آرامگاه‌های منسوب به حسین بن موسی در ایران اساسا فاقد اعتبارند. در یکی از این احادیث که غسل روز پنجشنبه به جای جمعه را مطرح می‌کند، از همراهی حسین بن موسی با امام کاظم(ع) در راه بغداد سخن گفته شده‌است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳۶۶/۱) که در صورت پذیرفتن صحت حدیث، این سفر را باید

٦. عباسیه همان نُخَیله و نُخَیله دروازهٔ کوفه به سوی شام، مدائن و کربلا بوده‌است (براقی، ۱۳۸۸: ۱۹۳، ٤٤٦).

به دوره کودکی یا نوجوانی حسین پیش از زندانی شدن امام هفتم در سال ۱۷۹ق مربوط دانست. در حدیث دیگری خدمت حسین بن موسی به امام جواد(ع) در مدینه مطرح شده‌است (فقیه بحرالعلوم، ۱۳۸۵: ۲۱۷، ۲۱۹–۲۲۰، ۲۲۶–۲۲۷، برای آگاهی از احادیث یادشده نک. طوسی، ۱۴۰۴ق، ۷۲۸/۲–۷۲۹؛ اربلی، ۱۳۳۹، ۱۵۳/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۱۹/۴۹؛ شریف قرشی، ۱۴۱۳ق، ۴۱۸/۲ ؛ عطاردی قوچانی، ۱۳۴۲: ۱۹۸).

اخوان مهدوی در نقد حدیث مربوط به فصد امام جواد(ع) می‌نویسد: «آشکار است که حسن بن موسی در این روایت برادر حسین بن موسی بوده و محقق ارجمند، جناب آقای عُطاردی، در ترجمه به اشتباه حسن را به حسین تبدیل کرده و سپس جناب آقای فقیه بحرالعلوم نیز به دلیل عدم استفاده از منبع اصلی و بهره بردن از کتاب آقای عطاردی این اشتباه را تکرار کرده و در نهایت، به این نتیجه رسیده‌است که حسین بن موسی به ایران مهاجرت نکرده و از ملتزمان رکاب امام جواد(ع) در مدینه و سپس بغداد بوده‌است» (اخوان‌مهدوی، ۱۳۹۲: ۲۱).

داود شیخی زازرانی، از پژوهشگران معاصر، نیز با استناد به حدیث زیر معتقد است که حسین بن موسی در زمان شهادت امام جواد(ع) در سال ۲۲۰ق در عراق بوده‌است. او به درستی بر آن است که «بالحیره» در عبارت «قال حدثتنی ام‌محمد مولاة ابی‌الحسن الرضا(ع) بالخبر و هی مع الحسن بن موسی ...» به «بالخبر» تصحیف شده‌است و از آن جا که به نقل از یاقوت حموی، حیره را همان نجف دانسته (نک. یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ۳۲۹/۲)، از حضور حسین بن موسی در زمان شهادت امام جواد در سال ۲۲۰ق در نجف و به‌تبَع، عراق سخن گفته‌است. او همچنین حسن بن موسی مذکور در حدیث را به استناد نسخه بدل‌ها حسین بن موسی دانسته‌است (شیخی زازرانی، ۱۳۹۴: ۱۵۹). مضمون این حدیث چنین است: حسن بن علی وَشاء از ام‌محمد کنیز امام رضا(ع) نقل کرده‌است که زمانی همراه حسن بن موسی بوده و از او شنیده است که روزی ابوالحسن علی بن محمد (امام هادی(ع) با ترس وارد شد و روی زانوی ام‌ابیها دختر امام کاظم(ع) نشست. ام‌ابیها گفت: جانم به فدایت. او پرسید: تو را چه شده‌است؟ علی بن محمد گفت: به خدا قسم هم اکنون پدرم از دنیا رفت.

ام‌ابیها گفت: آن تاریخ را یادداشت کردیم. آنگاه خبر وفات امام جواد(ع) در همان روز رسید (طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۱۳-۴۱۴). با آنکه استدلال شیخی زازرانی در تصحیف «بالحیره» به «بالخبر» کاملا صحیح و عالمانه می‌نماید، در متن این حدیث از حسن بن موسی یاد شده‌است و به صرف ذکر نام «حسین» در اختلاف نسخ و احتمال تصحیف حسین به حسن، نمی‌توان حسین بن موسی را صرفا برپایه این حدیث، ساکن نجف و عراق دانست. افزون بر آن، اگر راوی این حدیث ـچنان‌که زازرانی معتقد استـ حسین بن موسی بوده و تا حدود سال ۲۲۰ق در عراق می‌زیسته، چگونه منابع انساب از او به عنوان «مفقود» یاد کرده‌اند (عبیدلی، ۱۳۷۱: ۱۶۶؛ ابن‌طباطبا، ۱۳۸۸ق: ۲۱۸-۲۱۹).

با وجود این اشکال‌ها، حتی اگر شخص مورد نظر در دو حدیث مذکور را شخصیت موضوع این مقاله، حسین بن موسی، بدانیم، این احادیث دفن حسین در شهر یا ناحیه‌ای غیر از بغداد را نفی نمی‌کنند؛ زیرا او می‌توانسته بخشی از حیات خویش را در بغداد به سر برده و سپس به جای دیگری کوچیده باشد.

۶. دهکده زرگ طبس

در دهکده زرگ در حدود چهل و پنج کیلومتری شهر طبس مزاری وجود دارد که عامه مردم آن را با عنوان مزار «آقا سیدحسین، فرزند موسی بن جعفر(ع)» یاد می‌کنند (نک. تصویر۴). آنان بر این باورند که امامزاده حسین بن موسی پس از درگیری با دشمن در دامنه کوه همجوار به شهادت رسیده و پیکرش بر تپه‌ای از شن‌های روان به پایین دره منتقل و در محل فعلی به خاک سپرده شده‌است. از همین رو، این ماسه‌های روان را خاک‌ریز امامزاده می‌دانند. گزارشی هرچند کوتاه در منابع متقدم و متأخر درباره دفن حسین بن موسی در این دهکده وجود ندارد و بنابراین، در این باب تنها می‌توان گفت: شاید صاحب این مزار از سادات جلیل‌القدری باشد که تاکنون هویت حقیقی و نسبش پوشیده مانده‌است. به‌هررو، با توجه به فقدان مستندات لازم در این باره نمی‌توان این مقبره را به حسین بن موسی بن جعفر منتسب ساخت.



تصویر۴: مزار آقا سید حسین در دهکده زرگ طبس

۷. طبس

در باب جایگاه دفن حسین بن موسی بن جعفر شاید هیچ دیدگاهی به مقبولیت طبس نبوده باشد و این مقبولیت با توجه به دلائل متعددی که از دفن او در این شهر حکایت دارد، چندان بی‌راه نیست. مهم‌ترین دلائل دفن امامزاده حسین بن موسی در طبس عبارت‌اند از:

۱. سکونت اولاد حسین بن موسی در طبس دست‌کم از نیمه دوم سده ۴ق به بعد که نخستین بار توسط ابونصر سهل بن عبدالله بخاری (زنده در حدود ۴۰۱ـ۴۰۷ق) در اوایل سده ۵ق بیان شده و پس از او، توسط عبیدلی (د. ۴۳۵ق)، ابن‌صوفی (حدود ۳۹۰ـ حدود ۴۶۰ق)، فخررازی (د. ۶۰۶ق) و سپس اسماعیل مروزی (د. بعد از ۶۱۴ق) گزارش شده‌است. بنابراین، دست‌کم از سده ۴ق ساداتی در این شهر می‌زیسته‌اند که خود را از نسل وی می‌دانسته‌اند (نک. عبیدلی، ۱۳۷۱: ۱۶۶؛ ابن‌صوفی، ۱۳۸۰: ۲۹۹؛ فخر رازی، ۱۳۷۷: ۱۱۳؛ مروزی، ۱۴۰۹ق: ۲۱). پس از این، در سده‌های بعدی نیز برخی از نسب‌شناسان همچنان به حضور برخی از سادات مدعی انتساب به حسین بن موسی در آن شهر اشاره کرده‌اند (نک. ابن‌عنبه، ۱۴۲۵ق: ۲۴۰-۲۴۱؛ کیا گیلانی، ۱۴۰۹ق: ۷۲).

این منابع انساب به ادعای سادات منسوب به حسین بن موسی در طبس مبنی بر حضور، زندگانی و وفات او در این شهر اشاره کرده و گاه عدم وجود راهی برای اثبات نظر ایشان و

تردید خود درباره آن را نیز ذکر کرده‌اند (به عنوان نمونه، ابن‌طباطبا، ۱۳۸۸ق: ۲۱۸-۲۱۹).[۷] به جز عراق (بغداد یا کوفه) که برخی از نسب‌شناسان متقدم یا متأخر از دفن حسین بن موسی در آن‌ها سخن گفته‌اند و نمی‌توان دلایل آنان را به طور کامل و بدون چون و چرا پذیرفت، در مقام مقایسه دیگر دیدگاه‌ها درباره مدفن شخصیت موردنظر ما، نکته اساسی آن است که این منابع از ادعای مردمان دیگر شهرها درباره دفن وی در دیارشان یاد نکرده‌اند. بنابراین، تنها دیدگاه‌های مستند به منابع کهن انساب عبارت اند از دفن حسین بن موسی در عراق (بغداد یا کوفه) و طبس. از این رو، اگر دلائل معتقدان به دیدگاه بغداد یا کوفه را طبق استدلال‌های مقاله حاضر (نک. ذیل ۵) عراق (کوفه یا بغداد)) قانع‌کننده یا سقیم بدانیم، تنها دیدگاه دیگری که در منابع متقدم انساب از آن سخن گفته شده، دفن حسین بن موسی در طبس است؛ هرچند برخی از نویسندگان این منابع دلایل معتقدان به دفن وی در طبس را قانع‌کننده نشمرده‌اند. بنابرآنچه گذشت، با در نظر گرفتن آنکه شخصیت و حیات حسین بن موسی تا حدود زیادی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، ناآگاهی نسب‌شناسان از دفن حسین بن موسی در طبس و تردید آنان در این باره کاملا طبیعی به نظر می‌رسد.[۸]

۲. قدمت آرامگاه در طبس که اخوان مهدوی نیز در اثبات دفن حسین بن موسی در طبس بدان استناد جسته است؛ با این‌همه، اگرچه بر استناد او به وقف‌نامه‌های امامزاده در سده ۷ق می‌توان خدشه وارد کرد، کشف کتیبه‌ای که تاریخ ۴۹۴ق داشته و در سال ۱۲۰۵ق توسط خطاط آرامگاه شناسایی شده و همچنین بررسی باستان‌شناختی آرامگاه از لحاظ دوره معماری که به اواخر سده ۵ق نسبت داده شده، می‌توانند به عنوان دلائلی بر قدمت آرامگاه به

---

۷. با وجود این، چنان‌که گذشت، ابن‌طباطبا درجای دیگری از اثر خود از حضور، توالدوتناسل و وفات و دفن حسین در بغداد نیز سخن گفته‌است (نک. ذیل ۵) عراق (کوفه یا بغداد)).

۸. گفتنی است که حجه الاسلام محمود مرعشی متولی و رئیس کتابخانهٔ مرحوم آیه الله مرعشی نجفی نیز در نامه نسبتا مفصلی از اعتقاد خود مبنی بر دفن حسین بن موسی در طبس پرده برداشته‌است. این نامه در پاسخ به درخواست مدیریت فرهنگی و امور تبلیغات آستان قدس رضوی در خصوص اظهار نظر در این باره و در تاریخ ۱۳۷۷/۰۳/۰۶ به نگارش درآمده‌است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۵، ۴۲۹).

شمار آیند. افزون بر آنکه متن هیچ کدام از این وقف‌نامه‌ها از سوی نویسنده ارائه نشده، از نکات قابل تأمل اینکه در یکی از آن‌ها که به نوشته اخوان مهدوی، در تاریخ ۷۲۶ق به نگارش درآمده، واقف امیراسماعیل گیلکی دانسته شده‌است (نک. اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۷۹، ۱۱۴-۱۱۵) و حال آنکه این امیر از خاندان اسماعیلی‌مذهب گیلکی در حدود سال‌های ۴۳۹-۵۰۰ق، یعنی حدود بیش از دو سده پیش از تاریخ وقف‌نامه بر طبس حکم می‌رانده است (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۶: ۵۰). در مجموع، اگرچه قدمت آرامگاه دلیل قطعی و قانع‌کننده‌ای بر دفن حسین بن موسی در طبس نیست، به هر رو، دیدگاه دفن او در طبس را نسبت به دیگر آرامگاه‌ها تقویت می‌کند.

با وجود این دلائل که تاحدودی دیدگاه ناظر به دفن امامزاده در طبس را نسبت به دیگر دیدگاه‌ها اثبات می‌کند، برخی از طرفداران دفن امامزاده در طبس به نامه‌ای از امام رضا(ع) به حکمران طبس نیز استناد می‌کنند. در این نامه آمده‌است که به امام خبر رسیده که نوجوانی دوازده ساله به نام حسین از عترت رسول خدا(ص) قصد عزیمت به طبس و سکونت در آن را داشته و از حکمران خواسته شده آن حضرت را در یافتن وی یاری رساند و به محض اطلاع از او، امام را از آن آگاه سازد. این نامه پیشتر در تابستان ۱۳۹۷ در مقاله‌ای از جهت سند و محتوا بررسی شده و صدور آن با تردید جدی مواجه شده‌است (باقری و ثنائی، ۱۳۹۷: ۲۰۷-۲۲۵).



تصویر۵: مزار حسین بن موسی در شهر طبس

دیدگاه فقیه بحرالعلوم در باب مدفن حسین بن موسی در طبس

فقیه بحرالعلوم معتقد است: از آن‌جا که حسین بن موسی بن جعفر الملک بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمرالاطرف بن علی بن ابی‌طالب در حدود سده ۴ق در خراسان می‌زیسته، شخصیت مدفون در طبس در حقیقت اوست و به جهت تشابه اسمی، به فرزند امام کاظم(ع) شهرت یافته‌است. اگرچه فخر رازی در سده ۶ق از سکونت حسین بن موسی بن جعفرالملک در خراسان سخن گفته، به جایگاه دفن او اشاره‌ای نکرده‌است. به نوشته فقیه بحرالعلوم با توجه به آن‌که وی در خراسان می‌زیسته و نسب او نیز تاحدودی با نسب حسین بن موسی بن جعفر بن محمد، برادر امام رضا(ع) تشابه داشته، دور نیست که توهم دفن حسین بن موسی الکاظم در طبس از تشابه اسمی و نسبی آن دو برخاسته باشد (فقیه بحرالعلوم، ۱۳۸۵: ۲۲۴؛ همو، ۱۳۹۰: ۷۳).

نظر به گزارش صریح منابع انساب از نیمه دوم سده ۴ق به بعد که از ادعای برخی از سادات طبسی مبنی بر انتساب به حسین بن موسی سخن به میان آورده‌اند (نک. دلائل دیدگاه طبس)، نمی‌توان دیدگاه فقیه بحرالعلوم را پذیرفت؛ زیرا فاصله زمانی تألیف آن منابع تا زمان

حیات حسین بن محمد بن جعفرالملک (حدود نیمه نخست سده ۴ق) چندان زیاد نبوده‌است و بنابراین، می‌توان گفت که چگونه آنان از هویت حقیقی خویش بی‌اطلاع بوده‌اند. به عبارت دیگر، با توجه به آنکه سادات به دلائل گوناگون در حفظ و به خاطر سپردن نسب خویش دقت و وسواس بیشتری نشان می‌داده‌اند، اعتقاد به اینکه آنان در اندک زمانی پس از حیات جد خویش در انتساب خویش به شخص دیگری از سادات راه خطا پیموده‌اند، شگفت‌آور است. افزون بر آنکه منابع متقدم درباره دفن حسین بن موسی بن جعفرالملک در طبس گزارشی به دست نداده‌اند، می‌توان گفت که حضور او در خراسان ـ با همه پهناوریش در گذشته ـ نمی‌تواند قرینه و دلیل محکم و غیرقابل خدشه‌ای بر تطابق حسین بن موسی مدفون در طبس با نام‌برده باشد.

نتیجه

اطلاعات اندکی درباره حیات و شخصیت حسین بن موسی بن جعفر در منابع رجالی و انساب به چشم می‌خورد. بسیاری از منابع او را «مفقود» خوانده‌اند که شاید حاکی از زندگی پنهانی او، دور از چشم کارگزاران خلافت عباسی باشد. به‌تَبَعِ چنین زندگی پنهانی و اطلاعات اندک موجود درباره وی، از مهم‌ترین زوایای زندگانی پرابهام و ناپیدای او سکونتگاه و محل وفات و دفن اوست و از همین رو، مواضع متعددی به عنوان مکان دفن و آرامگاه وی معرفی شده‌است. برخی از این اقوال مستند به منابع متقدم و بعضا متأخر است و برخی دیگر در افواه عامه مردم دیده می‌شود. هرکدام از این اقوال مکتوب و شفاهی طرفدارانی از عوام و خواص یافته‌است. از مشهورترین آراء در این زمینه دفن این امامزاده در کوفه، بغداد، دزفول، بهبهان، شیراز، جوپار کرمان و طبس و یکی از آبادی‌های آن به نام زرگ است. هرکدام از این دیدگاه‌ها با ایراداتی روبه‌روست و تنها دیدگاهی که از طریق ادله قانع‌کننده و اطلاعات منابع متقدم اثبات می‌شود، قول ناظر به دفن امامزاده در طبس است. به‌جز گزارش منابع انساب از حدود اواخر سده ۴ق و اوایل سده ۵ق به بعد که از ادعای سادات منتسب به حسین بن موسی در

طبس یاد کرده‌اند، قدمت آرامگاه موجود در طبس را نیز _که با توجه به کتیبه‌ای با تاریخ ۴۹۴ق و برخی گمانه‌زنی‌های باستان‌شناختی، دست‌کم به سده ۵ق بازمی‌گردد_ می‌توان به عنوان قرینه‌ای بر دفن شخصیت موردنظر ما در آن شهر به‌شمار آورد.

کتاب‌نامه

ابن‌زرکوب شیرازی، احمد بن‌ابی‌الخیر (۱۳۹۰). شیرازنامه. به‌کوشش اکبر نحوی، شیراز: دانشنامه فارس.

ابن‌صوفی، علی بن محمد عمری (۱۳۸۰). المجدی فی انساب الطالبیین. به‌کوشش احمد مهدوی دامغانی، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.

ابن‌طباطبا، ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر (۱۳۸۸ق). منتقلة الطالبیه. به‌کوشش سید مهدی خرسان، نجف: مکتبة الحیدریه.

ابن‌عنبه، جمال‌الدین احمد (۱۴۲۵ق). عمدة الطالب فی انساب آل ابی‌طالب. به‌کوشش مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی.

اخوان‌مهدوی، علی (۱۳۹۲). حسین بن موسی الکاظم؛ زندگی، شخصیت، آرامگاه. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

اخوان‌مهدوی، علی (۱۳۹۵). کنکاشی پیرامون آرامگاه های منسوب به حسین بن موسی الکاظم(ع). ذکر جمیل؛ یادنامه دکتر مهدی جلیلی، به کوشش مهدی مجتهدی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۴۱۳-۴۳۳.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۳۹). کشف الغمه فی معرفه الائمه. به‌کوشش سید هاشم رسولی، تبریز: بنی هاشمی.

اعرجی، جعفر بن‌محمد (۱۳۷۷). مناهل الضرب فی انساب العرب. قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.

اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۶). «تحقیقات تاریخی». یادگار، ۳(۹)، ۴۹-۶۳.

بارانی، محمدرضا و سیدیاسین زاهدی (۱۳۹۰). «شرح حال پنج تن از فرزندان امام کاظم(ع)». سخن تاریخ، ۵(۱۲)، -۶۱.

باقری، محمد و حمیدرضا ثنائی (۱۳۹۷). «بررسی سندی و محتوایی نامه امام رضا (علیه السلام) به حاکم طبس». فرهنگ رضوی، ش۲۲، تابستان ۹۷.

باقری، محمد و حمیدرضا ثنائی (۱۳۹۹). «واکاوی گزارش‌ها درباره دفن امامزاده حسین بن موسی(ع) در

شیراز». فرهنگ رضوی، ۸(۳۲)، ۳۷-۵۸.
باقری، محمد و سعید طاوسی مسرور، «بررسی کتاب حسین بن موسی(ع)، زندگانی، شخصیت، آرامگاه»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۲۱(۱۲)، ۳-۲۵.
براقی، سیدحسین (۱۳۸۸). تاریخ کوفه، ترجمه سعید راد رحیمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
جنید شیرازی، جنید بن محمود (۱۳۶۴). تذکره هزارمزار (ترجمه شذالازار). به‌کوشش عبدالوهاب نورانی وصال. شیراز: کتابخانه احمدی شیراز.
حرزالدین، محمد (۱۴۱۳ق). المراقد المعارف. قم: سعید بن جبیر.
خادمی، غلامرضا (۱۳۸۱). شجره طیبه یا امامزادگان ایران. قم: عصر ظهور.
خطیب بغدادی، ابوبکر احمد (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد. بیروت، دار الکتب العربیه.
روستا، جمشید (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی حیات تاریخی دو امامزاده همنام در دو ایالت فارس و خراسان». مجموعه مقالات برگزیده کنگره ملی امامزادگان با محوریت حضرت حسین بن موسی الکاظم علیه‌السلام، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، ۲۹۹-۳۲۸.
سلطان الواعظین شیرازی (۱۳۸۹). شب‌های پیشاور. به‌کوشش سیدمحمدباقر احمدی. قم: آل‌طه.
شریف قرشی، باقر (۱۴۱۳ق). حیاة امام موسی بن جعفر علیه السلام. بیروت: دارالبلاغه.
شیخی‌زازرانی، داود (۱۳۹۴). واکاوی روایات حسین بن موسی بن جعفر در کتب فریقین. مجموعه مقالات برگزیده کنگره ملی امامزادگان با محوریت حسین بن موسی‌الکاظم(ع)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷-۱۷۸.
شیرازی، محمدمعصوم (۱۳۸۲). طرائق الحقائق. به‌کوشش محمدجعفر محجوب. تهران: سنایی.
صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا علیه السلام. ترجمه علی‌اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، صدوق، تهران.
صدوق، محمد بن علی (بی‌تا). عیون اخبار الرضا علیه السلام. ترجمه محمدتقی آقانجفی اصفهانی، اسلامیه، تهران.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق). زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام (ترجمه اعلام الوری باعلام الهدی). ترجمه عزیزالله عطاردی، کتابفروشی اسلامیه، تهران.
طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه. قم: بعثت.
طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). تهذیب الاحکام. به‌کوشش سیدحسن خرسان، تهران: دارالکتب

الاسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). اختیار معرفه الرجال. به‌کوشش محمدباقر حسینی و سید مهدی رجایی، قم: آل‌البیت.

عبیدلی، ابوالحسن محمد (۱۳۷۱). تهذیب الانساب و نهایة الاعقاب. به‌کوشش شیخ محمدکاظم محمودی، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی.

عرفان‌منش، جلیل (۱۳۸۶). چلچراغ شیراز. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۳۴۲). عبدالعظیم حسنی حیاته و مسنده. تهران: صدوق.

فخررازی، محمد بن عمر (۱۳۷۷). الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه. به‌کوشش مهدی رجایی. زیرنظر محمود مرعشی نجفی. قم: مکتبة آیة الله مرعشی.

فدایی قطبی، علی‌محمد (۱۳۵۲). به‌کوشش پیرامون حسین بن موسی بن جعفر و مرقد وی. مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ۹، ۲۷۱-۲۸۴.

فرصت حسینی شیرازی، محمدنصیر میرزاآقا (۱۳۷۷). آثار عجم. به‌کوشش منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

فقیه بحرالعلوم، محمدمهدی (۱۳۸۵). تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری. قم: وثوق.

همو (۱۳۹۰). هزار مزار ایران؛ پژوهشی در معماری و شرح حال شخصیت‌های مدفون در بناهای ثبت شده ایران استاد یزد. قم: وثوق.

قریشی، سیدحسن و سارا زمانی رنجبر گرمرودی (۱۳۹۱). بررسی دقیق مدفن حسین بن موسی الکاظم(ع). تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، ۹۱(۲۶)، ۱۳۲-۱۵۴.

کمونه حسینی، عبدالرزاق (۱۳۸۹). آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر(ص) و بزرگان صحابه و تابعین. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

کیا گیلانی، سیداحمد (۱۴۰۹ق). سراج الانساب. به‌کوشش سیدمهدی رجایی، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی.

لسترنج، گای (۱۳۸۶). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی فرهنگی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: الوفا.

مروزی، اسماعیل (۱۴۰۹ق). الفخری فی انساب الطالبیین. به‌کوشش مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی.

مشکوتی، نصرت‌الله (۱۳۴۹). فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

مصطفوی کاشانی، محمدتقی (۱۳۸۱). باستان‌شناسی بناهای مذهبی. در مجموعه مقالات در زمینه باستان‌شناسی (مجموعه مقالات محمدتقی مصطفوی کاشانی). گردآوری مهدی صدری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۰۲-۱۳۸.

معلوف، لوییس (۱۳۸۲). المنجد، تهران: پژوهان.

ملک‌الکتاب شیرازی. محمد بن محمد رفیع (۱۲۹۶). ریاض الانساب و مجمع الاعقاب معروف به بحرالانساب [چاپ سنگی]. بمبئی: مطبع داودی.

نجمی، شمس‌الدین (۱۳۸۱). گاهشمار تاریخ کرمان. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

یاقوت حموی، شهاب‌الدین (۱۹۹۵م). معجم‌البلدان. بیروت: دار صادر.